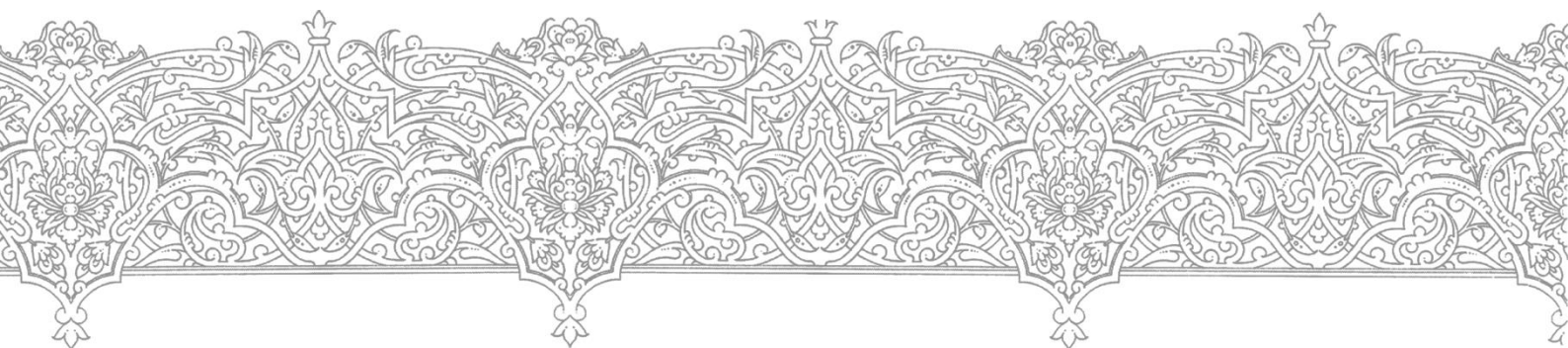




دیکتاتوری دلار و اقتصاد





دیکتاتوری دلار و اقتصاد جنگ

International Union of Unified Ummah

ادوار اقتصاد جهانی

بر اساس نظریه انگدال، پس از جنگ جهانی دوم آمریکا و به تبع آن نظام مالی و اقتصاد جهانی سه دوره تاریخی را تجربه کرده اند که دارای ویژگیهای متفاوتی میباشند. این دوره ها عبارتند از:

- دوره ۱۹۴۵ - ۱۹۷۱
- دوره ۱۹۷۱ - ۱۹۹۹
- دوره ۱۹۹۹ تا کنون

برتون وودز متولد می شود

در جولای ۱۹۴۴، بمنظور تثبیت شرایط اقتصادی و سیاسی جهان، نمایندگان ۴۴ کشور جهان در کنفرانس «برتون وودز» در هتل مانت واشنگتن واقع در ایالت همپشایر آمریکا اقدام به تاسیس بانک جهانی و صندوق بین المللی پول نمودند و با پذیرش دلار آمریکا به عنوان ارز بین المللی به قیمت ثابت «سی و پنج دلار برابر یک اونس طلا» نظام پولی جدیدی را برای اقتصاد جهانی بوجود آوردند که به سیستم «Bretton Woods Gold Exchange» معروف میباشد. نظام جدید پولی که به نظام پایه طلا-ارز اشتها یافت، پشتوانه آن مرهون این واقعیت بود که در زمان خاتمه جنگ ۷۰ درصد از طلای آن روز جهان در اقتصاد آمریکا بود.

این سیستم تا سال ۱۹۷۱ دوام یافت. طی این دوره دولت آمریکا با استفاده از امکانات بانک

جهانی و صندوق بین المللی پول نقشی کلیدی در بازسازی ژاپن و اروپا ایفا نمود و در مقابل، کشورهای مزبور هژمونی دلار بر اقتصاد جهانی را پذیرفتند.

بحران در برتون وودز

در سال ۱۹۶۷ اولین آثار بحران در نظام پولی «برتون وودز» پدیدار گردید. با تکمیل بازسازی ژاپن و اروپای غربی، این کشورها به رقیبی برای آمریکا در اقتصاد جهانی تبدیل شدند. همزمان، ادامه جنگ ویتنام هزینه سنگینی را بر اقتصاد آمریکا تحمیل نمود. تحت تاثیر عوامل فوق اطمینان خاطر جامعه جهانی به دلار متزلزل گردید، به نحوی که تعدادی از کشورها از بانک مرکزی آمریکا خواستند تا بر اساس ضوابط نظام «برتون وودز» دلار آنها را به طلا تبدیل کند. این روند برای چند سال ادامه یافت و در سال ۱۹۷۱ با تقاضای بریتانیا برای تبدیل ۳ بیلیون دلار از ذخیره ارزی خود به طلا به مرحله بحرانی رسید. در اثر این بحران در آگوست ۱۹۷۱ دولت نیکسون رابطه ثابت دلار با طلا را به حالت تعلیق درآورد و دلار را شناور کرد. این اقدام عملا به نظام «برتون وودز» پایان داد.

سعودی ها منجی دلار می شوند

دوره دوم با پایان یافتن سیستم «برتون وودز» آغاز شد. پایان این سیستم موجب پیدایش تورم شدید در اوایل دهه ۷۰ و افت ارزش دلار گردید.



دیکتاتوری دلار و اقتصاد جنگ

International Union of Unified Ummah

تحولات تقاضا برای دلار شدیداً افزایش یافت و موقعیت دلار به عنوان ارز بین المللی مجدداً تثبیت گردید. کشورهای جهان برای خرید نفت نیازمند دلار بودند و کشورهای تولید کننده نفت دلار مازاد خود را در کشورهای غرب به ویژه آمریکا سرمایه گذاری میکردند. برای اداره منظم شرایط جدید، در سال ۱۹۷۴ رهبران موسسات مالی نیویورک و لندن سیستمی را تدوین کردند تا دلارهای نفتی را در اقتصاد جهان به گردش درآورد. به این ترتیب سیاست آمریکا در مرحله دوم دارای دو محور بود. نخست استفاده از اهرم های سیاسی برای وادار ساختن کشورهای تولید کننده نفت به ویژه اوپک برای اینکه نفت خود را تنها به دلار قیمت گذاری کرده و بفروش برسانند. دوم، ایجاد سیستمی برای به گردش انداختن مازاد دلارهای نفتی و حفظ موقعیت برتر دلار.

دلارها نفتی می شوند

در دوره دوم که به سیستم «پetro دلار» یا دلارهای نفتی معروف میباشد، هژمونی دلار بر اقتصاد جهانی و موقعیت آن به عنوان ارز ذخیره جهان مجدداً تثبیت شد. اما در این فرایند، دلار از ارزی که پشتوانه آن طلا بود به ارزی تبدیل گردید که پشتوانه آن نفت یا طلای سیاه میباشد. برخی از نظریه پردازان مدعی اند که برای ایجاد و حفظ این شرایط دولت آمریکا با حکومت عربستان سعودی یک معاهده پنهانی منعقد کرده

در چنین شرایطی برخی از کشورهای عضو اوپک برآن شدند تا نفت خود را به جای دلار بر پایه سیدی از ارزهای مختلف قیمت گذاری کنند تا از افت قدرت خرید درآمد حاصل از فروش نفت خود جلوگیری نمایند. این امر موجب کاهش تقاضا برای دلار و تضعیف بیشتر آن شد، به نحوی که در صورت ادامه دلار را در یک بحران عمیق فرومی برد. به منظور جلوگیری از این تحول، دولت نیکسون با دولت عربستان سعودی وارد مذاکره شد تا این کشور را متقاعد سازد که به قیمت گذاری و فروش نفت به دلار ادامه دهد. تحریم صادرات نفت توسط اعراب در سال ۱۹۷۳، گرچه یک جنبه از چنان کنشی برای منقطع ساختن مواضع غرب در حمایت از اسرائیل بود، ولی بعدها آشکار شد که به دلیل انجام مبادلات نفتی در ظرف دلار، افزایش قیمت نفت در جهت جذب دلار سرگردان در اقتصاد جهان آن روز بود.

همزمان قیمت نفت در سال ۱۹۷۴ نزدیک به چهار برابر شد. موافقت عربستان سعودی به عنوان بزرگترین تولید کننده اوپک با ادامه قیمت گذاری و فروش نفت به دلار، از یکسو، و افزایش قیمت نفت، از سوی دیگر، موجب شد تا اوپک امر قیمت گذاری نفت بر پایه سیدی از ارزهای مختلف را رها کند و سیستم قیمت گذاری و فروش نفت به دلار را ادامه دهد. در اثر این



دیکتاتوری دلار و اقتصاد جنگ

International Union of Unified Ummah

بحرانی که دچار آن شده بود نجات داد و هژمونی آنرا بر اقتصاد جهانی مجدداً تثبیت نمود.

سیستمی که برای به گردش انداختن دلارهای نفتی تدوین شد دارای دو محور اصلی بود. نخست طی قراردادی که توسط هنری کسینجر، وزیر خارجه وقت آمریکا، بین عربستان سعودی و دولت آمریکا به امضا رسید و به تاسیس «کمسیون مشترک عربستان سعودی و آمریکا برای همکاری اقتصادی» انجامید، به عربستان سعودی اجازه داده شد و یا از آن خواسته شد تا دلارهای مازاد خود را برای خرید اوراق قرضه خزانه داری دولت آمریکا مصرف نماید. دوم، به بانک های لندن ماموریت داده شد تا دلارهای مازادی را که در حوزه اتحادیه اروپا در گردش بودند به کشورهای وارد کننده نفت قرض دهند تا آنها دلار لازم برای خرید نفت را داشته باشند، سپس بهره وامهای مربوطه را به صورت دلار به صندوق بین المللی پول پرداخت کنند تا چرخه بازگشت دلارهای نفتی مازاد به سیستم بانک مرکزی آمریکا تکمیل گردد.

یورو تنه می زند

بنا بر نظریه انگدال، مرحله دوم در سال ۱۹۹۹ با ایجاد یورو به پایان رسید. سیستم پترودلار موفق شد تا افول دلار را برای نزدیک به سه دهه به تعویق بیندازد، اما نتوانست آنرا برای همیشه متوقف سازد. ادامه رشد اقتصادی کشورهای

است که بر اساس آن حکومت عربستان سعودی موظف میباشد تا در ازای حمایت آمریکا از حکومت سعودی، با فروش نفت خود به دلار اوپک را وادار سازد که نفت را تنها به دلار قیمت گذاری کرده و بفروش برساند. عده ای از این نظریه پردازان حتی تا آنجا پیش میروند که معتقدند کل این سیستم، از جمله چهاربرابر شدن قیمت نفت، به نحوی هوشمندانه توسط آمریکا طراحی و به اجرا گذاشته شده است. در این راستا، از قول زکی یمانی وزیر نفت وقت عربستان سعودی نقل میشود که وی یقین دارد آمریکا طراح اصلی افزایش قیمت نفت بوده و شاه ایران نیز به این موضوع واقف بوده است زیرا در جریان یک دیدار از وی خواسته است تا به ملک سعود پیغام دهد که "چرا با افزایش قیمت نفت مخالفت میکنید؟ آمریکایی ها خود خواهان این امراند، اگر باور ندارید از هنری کسینجر بپرسید، اوست که خواهان افزایش قیمت نفت است." از این منظر، افزایش قیمت نفت نه تنها هفت شرکت نفتی بزرگ غرب (معروف به هفت خواهران) را که به دلیل فعالیت های خود در دریای شمال و آلاسکا دچار مشکلات مالی سختی شده بودند از ورشکستگی نجات داد، بلکه با بالا بردن تقاضا برای دلار (به دلیل افزایش قیمت نفت) و ایجاد یک سیستم مالی برای به گردش انداختن دلارهای نفتی مازاد در اقتصاد آمریکا، دلار را از



دیکتاتوری دلار و اقتصاد جنگ

International Union of Unified Ummah

قابل توجهی وجود داشت. اما قدرت اقتصادی اتحادیه اروپا با یاری مجموعه ای از تحولات در عرصه جهانی موجب تثبیت یورو به عنوان یک ارز بین المللی گردید. در اواسط سال ۲۰۰۰ نرخ رشد اقتصادی آمریکا رو به آهسته شدن گذاشت و ارزش سهام در بازارهای غرب به میزان قابل توجهی سقوط کرد. در واکنش به این روند، بسیاری از کشورها از جمله کشورهای خلیج فارس که متحمل خسارات قابل توجهی در این فرایند شده بودند بخشی از دارایی ها و سهام خود را در آمریکا فروختند و به پروژه های سرمایه ای در اتحادیه اروپا منتقل کردند. این امر موجب افزایش تقاضا و تقویت یورو گردید. همچنین، پس از حمله تروریستی ۱۱ سپتامبر، کشورهای عرب از بیم آنکه مبادا آمریکا دارایی های آنها را به اتهام پشتیبانی مالی از تروریستهای اسلامی مصادره یا مسدود نماید، بخش قابل توجهی از دارایی های خود را به بانک های عرب بازگرداندند.

جنگ یورو و دلار شروع می شود

از سوی دیگر، در نوامبر سال ۲۰۰۰ دولت عراق شروع به فروش نفت خود به یورو کرد و متعاقبا ۱۰ بیلیون دلار از درآمد نفت خود را به یورو تبدیل نمود. با بالا گرفتن تنش بین دولت آمریکا و ایران و در واکنش به شعار تغییر رژیم دولت بوش، در سال ۲۰۰۳ ایران فروش نفت به دلار را

اروپای غربی و توسعه اقتصادی سریع کشورهای آسیای شرقی و جنوب شرقی، از یکسو، و رشد آهسته تر باروری در اقتصاد آمریکا موجب تضعیف تدریجی، اما پیوسته دلار گردید. در چنین شرایطی، ورود یورو به بازارمالی جهان و شکل گیری آن به عنوان یک ارز بین المللی نیرومند برای اولین بار برای کشورهای تولید کننده نفت این فرصت را بوجود آورد تا نفت خود را به ارزی غیر از دلار قیمت گذاری کرده و بفروش برسانند. این امر همراه با تقویت روزافزون یورو به کشورهای دیگر انگیزه و فرصت داد تا بخشی از ذخیره ارزی خود را به یورو تبدیل کنند. این تحولات موقعیت دلار را به عنوان ارز بین المللی و ارز ذخیره جهان به نحوی جدی به خطر انداخت. بنا بر نظریه انگدال، در چنین شرایطی سیاست آمریکا به رویکرد نظامی متمایل گردید تا با تسلط بر منابع نفتی خاورمیانه و حفظ خرید و فروش نفت در عرصه دلار مانع از فروپاشی هژمونی دلار بر اقتصاد جهانی گردد. از دید انگدال، این وجه مشخصه مرحله سوم است که با حمله آمریکا به عراق در ۱۹ مارس سال ۲۰۰۳ برگشت ناپذیر گشت.

یورو در ژانویه ۱۹۹۹ با تاسیس اتحادیه پولی اروپا توسط یازده کشور اروپایی (که دو کشور نفتی اروپا یعنی بریتانیا و نروژ در میان آنها نبودند) متولد شد. در ابتدا نسبت به موفقیت یورو نگرانی



دیکتاتوری دلار و اقتصاد جنگ

International Union of Unified Ummah

بین المللی متکی بود. در دوره سوم، با کاهش فاصله اقتصادی بین آمریکا و سایر کشورها، شکل گیری یورو و تمایل برخی از کشورهای اوپک به قیمت گذاری و فروش نفت خود به یورو، هژمونی دلار بر اقتصاد جهانی به خطر افتاد. در این دوره، بمنظور حفظ هژمونی دلار بر اقتصاد جهانی، آمریکا به سیاست یک جانبه، میلیتاریسم و نظریه جنگ های پیشگیرانه روی آورد که حمله به عراق رویکرد برجسته آن تا کنون میباشد.

از دید نظریه «جنگ های پترو دلار»، موقعیت آمریکا به عنوان تنها ابر قدرت جهان بر سه پایه استوار است:

- قدرت اقتصادی آمریکا
- نیروی نظامی
- نقش دلار در اقتصاد جهانی به عنوان ارز ذخیره جهان

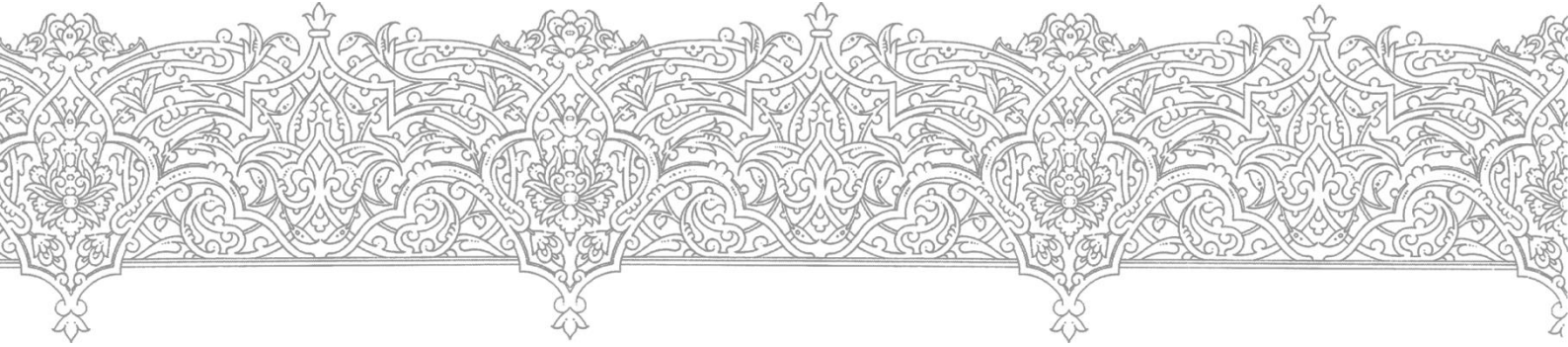
این سه رکن با یکدیگر مرتبط میباشند به نحوی که هریک متضمن بقای دیگری است. بنا بر نظریه «جنگ های پترو دلار»، سیاست آمریکا در مرحله کنونی عمدتاً در راستای استفاده از نیروی نظامی برای تقویت دو رکن دیگر است. این نظریه در واقع مدعی است که برای حفظ هژمونی دلار، آمریکا دارای یک طرح گسترده برای خاورمیانه، آسیای میانه و مناطق نفت خیز آفریقا میباشد که هدف عمده آن در هم شکستن انحصار اوپک و کنترل بازار نفت جهان میباشد.

رها کرد و به یورو رو آورد. در سال ۲۰۰۳ دولت روسیه نیز ابراز تمایل نمود تا بخشی از نفت خود را به یورو بفروشد برسانند. ونزوئلا نیز اقدام به فروش نفت به یورو نمود. همچنین، چین، روسیه و تعدادی دیگر از کشورهای آسیایی آغاز به تبدیل بخشی از ذخایر ارزی خود به یورو نمودند. در سال های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴ روسیه و چین بخش قابل توجهی از ذخیره ارزی خود را به یورو تبدیل نمودند.

در سال ۲۰۰۲ یورو ثبات و قدرت قابل توجهی یافت و تا پیش از حمله به عراق موقعیت چشمگیری بدست آورده بود. به اعتقاد انگدال یکی از دلایلی که آلمان و فرانسه با حمله به عراق مخالفت نمودند به این دلیل بود که میدانستند اقدام صدام حسین مبنی بر فروش نفت به یورو موجب تقویت و تبدیل یورو به ارز ذخیره جهان خواهد شد. از این منظر، حمله نظامی آمریکا به عراق در واقع تجلی رویارویی دلار و یورو و اقدامی برای حفظ هژمونی دلار بر اقتصاد جهان است.

دلارها جنگی می شوند

بنا بر نظریه انگدال، طی دوره های اول و دوم هژمونی دلار بر اقتصاد جهانی مورد پذیرش جامعه جهانی قرار داشت. لذا، طی این دو دوره عملکرد آمریکا در عرصه سیاست جهانی عمدتاً بر سیاست های چند جانبه و همکاری با نهادهای



المجمع الدولي للأمة الواحدة
INTERNATIONAL UNION OF UNIFIED UMMAH
اتحاديه بين المللى امت واحده

واحد فرهنگى و آموزش

اتحاديه بين المللى امت واحده

٠٢١ - ٦٦٤٨٤٦٧٥

www.unified-ummah.com